



روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی ، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی : تهران، خیابان آریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه:۳۳-۲۳۰۲۴-۲۲۰۳۸۰
نمبر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی‌ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۶۶۹۷۱۱۱۹-۲۰-۲۲۰
نمبر: ۰۲۱۶۵۰۶۶۴۰۱۶۵،امور فنی ، آتلیه و لیثوگرافی : روزنامه شرق
چاپ:■ افست : کیلومتر ۴ جاده ابعلی، روی‌روی خیابان سازمان آب ،تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■طوطی : خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹۰،تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز : جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۶۶۸۲۳۴۶-۷

■ راهنمای امروز

تلویزیون امروز		
سریال فروشگاه	سه	۱۲/۳۰
سریال کاپیتان	سه	۱۳/۴۰
سریال قصه‌های جزیره	دو	۱۴/۱۵
سریال کلانتر	یک	۱۵/۱۰
هشدار برای کبری ۱۱	پنج	۱۹/۰۰
سریال عامل ناشناخته	سه	۲۰/۱۵
سریال پرستاران	یک	۲۲/۱۰
سریال نرگس	سه	۲۲/۴۵
سریال راز ققنوس	پنج	۲۳/۰۰

سینمای امروز

کافه ستاره (سامان مقدم)

آریقا- آسیا- عصرجدید۲- پارس۱- آسمان آبی قیام- جوان۱- المپیا- فردوس- ایران۱- شاهد کانون قدس- ایران۱- ناهید- سپیده ۱

به نام پدر (ابراهیم حاتمی کیا)

فرهنگ- قدس- ایران۳- بلوار- فلسطین۱- کارون گلریز- تهران۱- مرکزی- پایتخت- جی۱- حافظ دهکده- بهمن- ماندانا- ملت

باغ فردوس ساعت پنج بعدازظهر (سیامک شایقی)

فرهنگ۲- ایران۲- فلسطین۳- شاهد شهرتماشا پارس

ادبیات امروز

نقد داستان نویسی با حضور محمد رضا سرشار

تالار اندیشه حوزه هنری- ۱۶-

جشنواره تئاتر عروسی

گاور
تالار چهارسو تئاترشهر- ۱۷ و ۱۹/۳۰
مالیخولیای گذر زمان
تالار کوچک تئاترشهر- ۱۸ و ۱۹/۳۰
انتظار در کافه پارکر
تالار نو تئاترشهر- ۱۸/۰۰
اپرای عروسی رستم و سهراب
تالار فردوسی- ۲۰/۰۰

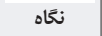


سال چهارم #شماره ۸۵۱ سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۸۵
۱۱ شعبان ۱۴۲۷
۵ سپتامبر ۲۰۰۶

خبر آخر

سهم من از مهرجویی بزرگ

یادداشت عزت‌الله انتظامی درباره آن شب



نگاه

همکاری هایم با مهرجویی را «بازی» کنم، اما شاید موضوع را درست انتخاب نکرده بودم. آن شب، شب تجلیل از کارنامه داریوش مهرجویی بود و شبایسته تر آن بود که من فقط و فقط از همان چیزهایی یاد می کردم که مهرجویی را به بزرگی رسانده و من هم در این سال‌ها، باید می گفتم که اگر این پنج فیلم از کارنامه من حذف می شد، نیم بیش تر وزن و ارزش آن از دست می رفت. موضوع اختلاف های مالی من و مهرجویی موضوعی خصوصی بین من و او است که باید همچنان خصوصی باقی می ماند. من به اشتباه با طرح آن موضوع، ولو به طنز، حساسیتی ایجاد کردم که باعث رنجش او و پشیمانی و دروغ خودم شد. حالا فکر می کنم طرح چنین مسائلی، حتی با بهترین اجراهای طنزآمیز هم می تواند در مخاطبان ایجاد سوءتفاهم کند. طبیعی است که باید از این بابت پوزش بخواهم. شکی نیست که مهرجویی یکی از بزرگ ترین سینماگران همه تاریخ سینمای ایران است و آن حرف ها و بازی طنزآمیز من در روی صحنه آن شب، ولو برای شوخی با مهرجویی در شبی که شب او بود، چیزی از بزرگی او کم نمی کند، اما این عذرخواهی بهانه ای شد برای تاکید هرچه بیش تر بر اهمیت فیلمسازی که یکی از شمایل های انکارناپذیر هویت فرهنگی سینمای ایران در سراسر جهان است.

پاسخ وزارت ارتباطات به یک مطلب



بازتاب

رفع خستگی و ایجاد تنوع نسبت به اجرای برنامه های تفریحی همراه با موسیقی و سایر برنامه های سرگرم کننده اقدام می کنند، در سمینار مذکور به ابتکار برگزارکنندگان و فنآوری اطلاعات را در پی داشت. این وزارتخانه جوابیه‌ای را به این شرح به دفتر روزنامه ارسال کرد: با سلام و احترام پیرو انعکاس اظهارات دکتر صادق‌زاده رئیس کمیته ارتباطات مجلس شورای اسلامی در آن رسانه وزین موارد ذیل جهت تنویر افکار عمومی و درج در خروچی آن رسانه به استحضار می‌رسد: نخست آنکه برخلاف اظهارات دکتر صادق‌زاده همایش سراسری مدیران و مسئولان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، نه در هفته دولت بلکه در تاریخ هشتم و نهم مردادماه سال جاری برای نخستین بار و با حضور ۱۵۰۰ تن از مدیران این وزارتخانه با هدف تبیین شعارهای چهارگانه دولت در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار شد. دیگر آنکه برخلاف ادعاهای مطرح شده توسط این نماینده محترم مجلس در این اجلاس علاوه بر طرح مباحث روز سیاسی و اجتماعی، مسائل تخصصی و اجرایی حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات از سوی مدیران عالی این وزارت به استحضار حضار رسید. گفتمنی است مطابق با عرف معمولاً برگزارکنندگان در این گونه برنامه‌ها که حاوی سخنرانی های زیادی است برای

یا به نوعی دولت خدمتگزار می نمایند.

محمد هراتیان نژادی



سال چهارم #شماره ۸۵۱ سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۸۵
۱۱ شعبان ۱۴۲۷
۵ سپتامبر ۲۰۰۶

آبادان	+۳۲+۴۷	بیرجند	+۱۶+۳۰	سندج	+۱۸+۳۴	همدان	+۱۲+۳۵
اراک	+۱۵+۳۱	تهران	+۲۲+۳۶	شهرکرد	+۱۸+۲۱	یاسوج	+۱۶+۳۱
اردبیل	+۱۵+۲۹	تبریز	+۲۲+۳۵	شیراز	+۱۸+۳۱	یزد	+۱۶+۳۱
ارومیه	+۱۸+۳۵	خرم‌آباد	+۲۰+۳۸	قزوین	+۱۱+۲۱	دبی	+۳۱+۴۰
اصفهان	+۱۴+۳۱	رشت	+۲۲+۳۱	کرمان	+۱۶+۲۸	نجف	+۲۹+۴۵
اهواز	+۲۸+۴۷	زاهدان	+۱۲+۳۱	کرمانشاه	+۱۹+۴۰	مکه	+۳۱+۴۳
ایلام	+۲۵+۲۹	زنجان	+۱۵+۳۲	کاشان	+۲۶+۲۷	مدینه	+۳۳+۳۹
بجنورد	+۱۱+۲۹	زابل	+۱۸+۳۵	کیش	+۳۱+۳۵	لندن	+۱۵+۱۸
بندرعباس	+۲۷+۳۵	ساری	+۲۵+۲۹	گرگان	+۲۱+۴۱	پاریس	+۱۵+۲۲
بوشهر	+۳۲+۳۵	سمنان	+۱۸+۳۱	مشهد	+۱۱+۲۷	استانبول	+۱۵+۲۱
تهران	اذان ظهر ۱۲:۰۵	اذان مغرب ۱۸:۵۵	اذان صبح فردا ۴:۰۶	طلوع آفتاب ۵:۳۴			

لیدیز اند جنتلمن بدبخت شدید

سیدعلی میرفناح

ماجراجی سقوط هواپیمای توپولف، ماجراجی دردناکی است که نه مردم و نه مسئولین از آن پند نمی‌گیرند و راه و رسم خود را برای گریز از این قضای الهی و پناه بردن به قدر الهی تغییر نمی‌دهند. دلایل مسئولین البته معلوم است و زور روزنامه‌نگاران و منتقدان به آنها نمی‌رسد و حرف‌های دوپهلو و کاریکاتورهای نیش دار و دستورات موکد رسیدگی نیز طبق روال معمول کاری از پیش نمی‌برند. اما مردم چرا سوار هواپیما می‌شوند، معلوم نیست؟ آقای کپورچالی: اصلاً چرا آدم باید زمین سفت خدا را رها کند و سوار آهن پاره‌ای بشود و خودش را بین زمین و آسمان معلق کند؟ حالا چه عجله‌ای است که آدم مثلاً یک راه دوازده ساعته را یک ساعته طی کند؟ بعد تازه آن یازده ساعت باقیمانده را می‌خواهد چه کند؟ آدم بار و بنه‌اش را می‌بندد مثل بچه آدم می‌رود سوار قطار می‌شود، یک کیلو تخمه و پسته هم می‌خرد می‌گذارد جلوی دستش، یک جدول باطله هم می‌خرد می‌گذارد روی پایش، هر از چندگاه هم چرتی می‌زند یا کنارستی‌اش از فواید سفر حرف می‌زند و تنقلات تعارفش می‌کند و از تنقلات کنار دستی‌اش می‌خورد تا برسد به مقصد.

آقای مویدی: تازه توی قطار نه چمدانت اشتباهی به یک مقصد دیگر می‌رود، نه دچار تاخیر نکبت‌بار می‌شوی و نه راه طولانی‌تا فرودگاه را طی می‌کنی و ...

آقای امیرشاهی: حالا یک نفر هست، کار اداری دارد، ماموریت یزنسی دارد، این حساب و کتابش فرق می‌کند، ولی بنده و شما چرا باید سوار هواپیما بشویم. آن هم سوار هواپیما روسی.

آقای روشن ضمیر: روس‌ها اگر بلد بودند هواپیما بسازند که کشورشان کمونیستی نبود.

آقای امیرشاهی: چه ربطی دارد؟

آقای روشن ضمیر: من بیاب مثال عرض کردم، ربطش خیلی مهم نیست.

آقای مویدی: من که سال‌ها است دیگر سوار هواپیما نمی‌شوم. آخرین باری که سوار شدم اتفاق بامزه‌ای افتاد. عیالم شب قبیلش خواب دیده بود که سقوط کرده‌ایم و من مردام و خودش زنده مانده صبح که خوابش را تعریف کرد، گفتم خواب‌زن چپ است و این خرافات را بگذار کنار. صبح رفتم سوار هواپیما شدم و همین که هواپیما اوج گرفت، یک دفعه‌ای هواپیما دچار لرزش شد و این چراغ‌های کمربند روشن شد و خلبان‌توی بلندگو به انگلیسی گفت: لیدیز اند جنتلمن بدبخت شدیم. یعنی اولش نگفت بدبخت شدیم. دو سه بار بعد که بدجوری لرزیدیم گفت خلبان اسپیکر. هر کس می‌تواند اشدش را بگوید. من اول یک فرص زیربانی خوردم و سر زرم داد کشیدم که مرده‌شورت را ببرند بان این خواب نکبتی که دیدی. مسافراهی کناردمتی هم وقتی فهمیدند که زرم چه خوابی دیده، هر کدام زیر لب بد و بیراهی گفتند که این چه خوابی است که دیده‌ای؟ یک نفر هم به یکی از همسافران‌ها پیشنهاد داد که عیال بنده را مثل بیونس از هواپیما ببینندازند پایین... البته من نگذاشتم این کار را بکنند.

آقای کپورچالی: چرا نگذاشتی؟

آقای مویدی: برای اینکه در خوابی که دیده بود، او زنده مانده بود و من مرده بودم و اگر این راز را می‌گفت، چه بسا او را نگه می‌داشتند و مرا پرت می‌کردند. پایین. خلاصه بعد از اینکه چهار پنج بار خلبان اسپیکر کرد و من دل‌ما را پاره کرد هواپیما دوری زد و برگشت فرودگاه تهران و پیاده شدیم. رفتم چمدانمان را بگیریم که برگردیم خانه، گفتند چمداناتان با یک هواپیمای دیگر رفته به شهر مقصد، باید صبر کنید تا فردا برگردد یا با هواپیمای بعدازظهر شما هم تشریف ببرید پیش چمدان هایتان. من که از همانجا به تقلید خواجه حافظ ره و رسم سفر برانداختم و خودم را زدم به مریضی و عیال را فرستادم که چمدان‌ها را بگیرد. من تحت هیچ شرایطی نه هواپیما سوار می‌شوم، نه کشتی. نهایت با قطار یا اتوبوس.

آقای کپورچالی: حداقل آدم باید سوار وسیله‌ای بشود که وقتی خواستت بیان ریه پیاده شود، بتواند پایش را روی زمین سفت بگذارد نه توی آب یا بین زمین و آسمان. تازه قبلاً مزیت هواپیما این بود که غذا و جای مجانی می‌داد که الان توی قطار هم همین کار را می‌کنند و تازه یک فیلم هم نشان می‌دهند...

mirfattah@yahoo.com

ادامه سرمقاله

اگر روزی که همسر آقای الهام کتاب معجزه هزاره سوم را در فضیلت احمدی‌نژاد می‌نوشت، بنا به کلام مولا، خاک بر دهان متعلقان می‌پاشیدند، امروز همه دستاوردهای ۲۷ساله انقلاب توسط فرد ناشناسی که همسر آقای آدم شناخته‌شده دولت فعلی است زیر سوال نمی‌رفت. ۵- در پایان البته هیچ‌یک از علاقه‌مندان آقای خاتمی از آقای الهام نمی‌خواهند که خدای ناکرده صاحب این قلم پراهانت و فحاشی را به دادگاه معرفی کند. از مقامات قضایی هم نیز نمی‌خواهند که از نویسنده این نامه شکایت کند. خاتمی از این اهانت‌ها آسیبی نمی‌بیند.

بوسه آخر



آندرهٔ آغاسی تنیسور مشهور و ۲۷ ساله آمریکایی، پس از قبول شکستی غیرمنتظره در برابر حریف نه‌چندان مطرح آلمانی خود بنیامین بکر در دور سوم گرند اسلم تنیس یواس‌اوپن ۲۰۰۱ همان‌طور که از قبل گفته بود، با اعلام بازنشستگی برای هوادارانش و دوستداران تنیس بوسه می‌فرستد و در حالی که اشک می‌ریزد با آنها و ورزش تنیس وداع می‌گوید.

آندرهٔ آغاسی تنیسور مشهور و ۲۷ ساله آمریکایی، پس از قبول شکستی غیرمنتظره در برابر حریف نه‌چندان مطرح آلمانی خود بنیامین بکر در دور سوم گرند اسلم تنیس یواس‌اوپن ۲۰۰۱ همان‌طور که از قبل گفته بود، با اعلام بازنشستگی برای هوادارانش و دوستداران تنیس بوسه می‌فرستد و در حالی که اشک می‌ریزد با آنها و ورزش تنیس وداع می‌گوید.

مدرسه‌های دخترانه استار می‌شوند

جمع اضداد

می‌شد و حالا به عنوان طرحی عمومی در حال اجرا است.
استار مدارس دخترانه در دوران ما عبارت بود از کارگری شلوارها و ماتوها هم گشاد و بدون تزئین و رنگ اضافه و جراب‌های رنگی ممنوع بود...
از آن زمان سال‌ها گذشته است و امروز وقتی دانش آموزانی را می‌بینم که با ماتوهای رنگارنگ از مدرسه تعطیل شده‌اند و خیابان را شلوغ کرده‌اند، حسرت روزهایی را می‌خوریم که نوجوانی‌مان در لباس‌های بی‌قواره خلاصه شد. پنجره کلاس‌های ما در مدرسه به یکی از خیابان‌های شلوغ شهر تهران باز می‌شد. معضلی که هر روز برای آن راه‌حلی جدید طراحی می‌کردند. یک روز ما از باز کردن پنجره کلاسی که هیچ تهویه‌ای نداشت منع شدیم. روز دیگری سامعی به نام نرده‌های آهنی تعبیه شد. فایده‌ای نداشت چون هنوز امکان اینکه بتوانیم به خیابان نگاه کنیم، وجود داشت. بنابرین راه‌حل آخر قفل زدن به پنجره‌ها و قرار دادن یک یقه بزرگ آهنی پشت آنها بود تا خیال همه راحت شود. استثنایی که تقریباً با روش‌های مختلف در مدارس دخترانه انجام

کاپیتان سابق ایتالیا و رئیس ایتر درگذشت

و صاحب مقام نایب‌قهرمانی در جام جهانی ۱۹۹۰ شد.پس از اویختن فکش‌هایش و احراز سمت‌های مختلف اجرایی در ایتر، سرانجام از ژانویه ۲۰۰۴ به جای ماسیمو مورانی صاحب ایتر (که ترجیح می‌داد در پشت پرده باشد و دیگر سمت ریاست و پست درجه اول اجرایی در این باشگاه نداشته باشد) پست ریاست ایتر را برعهده گرفت و تا قبل از بیماری اخیرش این پست را عهده‌دار بود و مثل ایام بازیگری‌اش، با قد بلند، رفتار سنگین و مبادی آداب بردنش، نمادی از وقار بود. ساندرو ماتزولا هافبک پیشین ایتر که سال‌ها با فاکه‌تی همبازی و همچون او مشهور بود، پس از شنیدن خبر مرگ یار پیشین‌اش گفت: «او یک فرمانده ذاتی و صاحب قدرت احاطه بر دیگران و استعداد لازم برای راهنمایی آنها بود و همیشه برای جنگیدن آماده‌گی داشت. او واقعاً متفاوت با سایرین بود.»

وصال روحانی: جاستینو فاکه‌تی مدافع چپ درخشان اسبق فوتبال ایتالیا و رئیس دو سال و نیم اخیر باشگاه ایتیرمیلان (که تیم ایام بازیگری وی محسوب می‌شد) دیروز در ۶۴ سالگی و در پی هفته‌ها رنج بردن از یک بیماری شدید، چشم از جهان فرو بست. او کاپیتان تیم ایتر در ایام طلایی آن باشگاه در دهه ۱۹۶۰ بود و تا اواسط دهه ۱۹۷۰ همچنان بازی می‌کرد، با

این فرق که طی سال‌های آخر به پست مدافع وسط منتقل شده بود. فاکه‌تی با آن تیم «آبی و سیاه‌پوش» ۴ بار قهرمان لیگ ایتالیا و دو بار هم فاتح جام قهرمانی باشگاه‌های اروپا شد و مجموعاً ۷۶۶ بازی در «اسری» (A) انجام داد. او ۹۴ بار هم برای تیم ملی ایتالیا به میدان رفت که ۷۰ بار آن با همراه داشتن بازوبند کاپیتانی بود. او با آتزوری قهرمان یورو ۱۹۶۸

کاپیتانی بود. او با آتزوری قهرمان یورو ۱۹۶۸

فیلم در فیلم با کیمیایی

گفت‌وگوهایی صریح با کیمیایی خواهد بود که از قرار معلوم در آن گفت‌وگوهای انتقادی بر گفت‌وگوهای ستایش‌آمیز غلبه کرده است. قادری می‌گوید: این فیلم درباره کیمیایی آغاز هزاره سوم است و چندان ربطی به آنچه که تا به حال درباره کیمیایی گفته شده‌است، نخواهد داشت. تدوین این فیلم تأیک‌مادیگر توسط حسین یاغچی آغاز خواهد شد.

■مدیرعامل جدید خانه موسیقی

حمیدرضا نوربخش خواننده، از سوی هیات‌مدیره خانه موسیقی به عنوان مدیرعامل دائمی خانه موسیقی انتخاب شد. دکتر محمد سریر رئیس هیات مدیره خانه موسیقی روز دوشنبه به ایستای گفت: در جلسه یکشنبه شب هیات‌مدیره خانه موسیقی که با حضور اعضای آن برگزار شد، با رای هیات‌مدیره «حمیدرضا نوربخش» به عنوان مدیرعامل خانه موسیقی منصوب شد. پیش از این داود گنجی‌ای به طور موقت این سمت را عهده‌دار بود.



سینما

